هولعلیم

«کنایه»

متولیان_فروغ دانش پویا

پیش می آید که به هر دلیلی آنچه را می‌خواهیم بگوییم به‌طور مستقیم به زبان نیاوریم.

درعوض طوری بیان کنیم که به‌طور **غیر مستقیم** به حقیقتی که در ذهن داریم اشاره می کند.

مثلاً برای همه راحت نیست که از فقر و نداری به‌طور مستقیم سخنی بگویند اما به‌صورت کنایی از **آه در بساط نداشتن ،سرخ کردن صورت با سیلی** حرف می‌زنند.

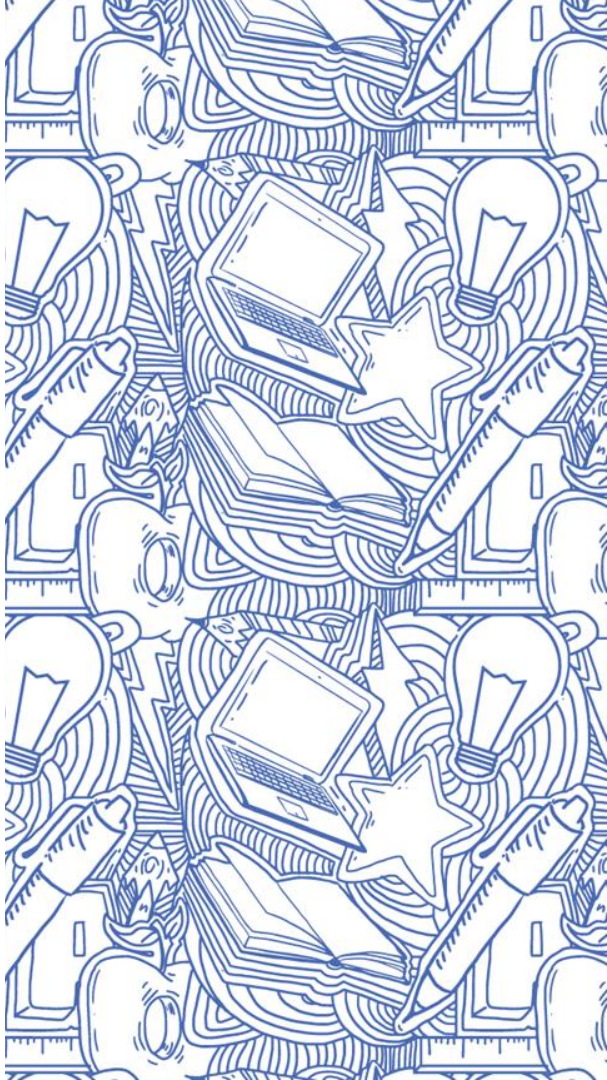

کنایه:

کنایه واژه‌ای عربی است
که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود.
از نظر واژگانی پوشیده گویی و نداشتن صراحت در گفتار معنی می‌دهد.

کنایه در اصطلاح ادبی:

به معنای سخنی است .
که ۲ معنادارد یک معنای حقیقی و یک معنای مجازی دارد.

به بررسی معنی دور و نزدیک چند کنایه می پردازیم:

چند پیراهن بیش تر از تو پاره کرده ام

معنی نزدیک: پیراهن بیش تری پاره کرده است.

معنی دور: بیش تر عمر کردن و تجربه ی بیش تری داشتن.

دهانت بوی شیر میدهد

معنی نزدیک: دهان کسی واقعا بوی شیر بدهد

معنی دور: کم تجربه بودن در زندگی

تا تنور داغ است باید نان را پخت

معنی نزدیک: تا موقعی که تنور داغ است، می شود نان پخت و وقتی تنور سرد شد، نان پخته نمی شود.

معنی دور: کار را باید به موقع اش و در زمان معین انجام داد.

کمر بستن

معنی نزدیک: کمر خود را با شال یا پارچه ای بستن.
معنی دور: آماده کاری شدن. مهیای انجام کاری شدن.

با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی شود

معنی نزدیک: با نام بردن حلوا دهان انسان شیرین نمی شود.
معنی دور: با سخن گفتن مشکل حل نمی شود. باید عمل نمود.

بی دست و پا

معنی نزدیک: یعنی انسانی که دست و پا نداشته باشد.
معنی دور: از عهده ی کاری بر نیامدن. بی کفایت . بی عرضه.

کنایه در اصطلاح ادبی:

به معنای سخنی است،
که ۲ معنادارد
یک معنای حقیقی و یک معنای مجازی دارد.(نزدیک به ذهن و دور از ذهن)
که مقصود معنای دور از ذهن است.

نمونه هایی از کنایه در شعر فارسی:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد

پای لغزیدن : کنایه از دچار اشتباه و گناه شدن
به دو دست دعا نگه دارد : کنایه از پشتبان بودن

چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت بر زین، گهی زیر به پشت

گهی پشت بر زین کنایه از : موفقیت
گهی زین به پشت کنایه از شکست می باشد.

ز من چه سرزده ؟
ای سرو نوش لب ، که دگر
سرت گران و حدیثت
کنایه آمیز است ؟

محتشم کاشانی